

پوشش نماد است

طبیعی‌دان‌ها با تکیه بر داده‌های باستان‌شناسی، سابقه شگفتی از جانداران روی کره زمین نقل می‌کنند. تکامل‌ها و جهش‌های فراوانی را ذکر کرده و تئوری تبدل گونه‌های جانوری را رقم زده‌اند. پاره‌ای از این جانداران، اجتماعات بزرگی را هم پدید آورده‌اند. کافیت کتاب‌های «زنور عسل»، «مورچه‌ها» و «موریانه‌ها»ی موریس مترلینگ (۱) را ورق بزنید. پر است از پیچیدگی‌هایی که در زندگی اجتماعی این جانوارن ذکر می‌کند. اما ما هیچ یک از این اجتماعات را «تمدن» نمی‌نامیم.

زندگی جانواران هر چقدر هم که پیچیده باشد، تاریخ ندارد. قهرمان و اسطوره هم ندارد، حتی هدف و غایتی برای آینده. آرزوهای دور از دسترس هم برای آن‌ها در کار نیست. تمام این ساختارهای اجتماعی شگفت‌انگیز به صورت غریزی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. زیرا حیوانات ابزار انتقال اطلاعات قدرتمندی ندارند. طبیعی‌دان‌ها می‌گویند همین پیشرفت‌های اجتماعی حیوانی، میلیون‌ها سال طول کشیده تا حاصل شود.

انسان ارتباط دارد. می‌تواند داده‌ها و اطلاعات را از نسلی به نسل دیگر منتقل کند، گذشته را حفظ نماید و تجاربی را برای توسعه اجتماعی خود بیاندوزد. بنابراین پیشرفت سریع‌تری، بسیار سریع‌تری را می‌تواند برای نوع خود رقم بزند. اما انسان چگونه ارتباط برقرار می‌کند؟

ارتباط انسان در اولین گام خود با آواهاست، آواهایی که حروف و سپس واژگان را شکل می‌دهند و واژه‌ها بدل به جمله می‌شوند و هر جمله می‌تواند یک اطلاع را منتقل نماید. اما ارتباط انسان به این گام محدود نمی‌ماند. انسان توانسته است آواها را بر اشیاء ترسیم نماید؛ با خط بنویسد و با اشکال بکشد.

اشکال و خطوط چه هستند؟ نمودهایی از آن‌چه نگارنده در نظر داشته و قصد کرده بیان نماید. نقاشی، شعر، موسیقی، آواز، خطاطی، تئاتر و فیلم، همه نمادهایی هستند که انسان برای انتقال اطلاعات و بروز دانسته‌های خود ایجاد کرده و به کار می‌گیرد.

اما دایره نمادها به این محدوده که به «هنر» معروف شده محدود نمی‌گردد. تمام اعمال و رفتار انسان‌ها نماد است. ما انسان‌ها از رفتار هم می‌توانیم به قضاوت درباره یکدیگر برسیم، اندیشه‌های هم را بشناسیم و از آن‌چه در ذهن دیگران می‌گذرد مطلع شویم. هر رفتاری که صورت می‌دهیم می‌تواند دیگران را به دانسته‌ای درباره ما برساند. تمام رفتارهای بشری «نماد» است.

دوستی پرسید: «چه اشکالی دارد اگر رنگ روسری‌ام فلان باشد و کفشی که به پا می‌کنم، چکمه‌ای که تا ساق بالا بیاید؟ مگر چیزی از پوشش‌م می‌کاهد؟ اگر حد شرعی را مراعات کنم، براق بودن چادرم چه ایرادی دارد؟»

تمام مقدمات بالا را برای پاسخ به او بیان کردم: پوشش ات قبول، با نمادها چه می‌کنی؟ اگر رنگی که برای لباس خود برگزیده‌ای، یا جنس پارچه‌ای که تهیه کرده‌ای، حتی شکل و شمایل کفشی که بر پا داری، زبان داشته باشد و حرف بزند، چه خواهی کرد؟!

آری، لباس‌ها زبان دارند و حرف می‌زنند، چون نماد هستند. حرف می‌زنند و به دیگران می‌گویند ما به چه می‌اندیشیم و به چه کارهایی تمایل داریم. اگر نمی‌خواهی خودروهای متفرقه در خیابان جلوی پایت ترمز کنند، مراقب باش پوششی که انتخاب می‌کنی دروغ نگوید و حرفی را که دوست نداری نزند!

۱. <http://dreamcast.blogfa.com/post-116.aspx>

